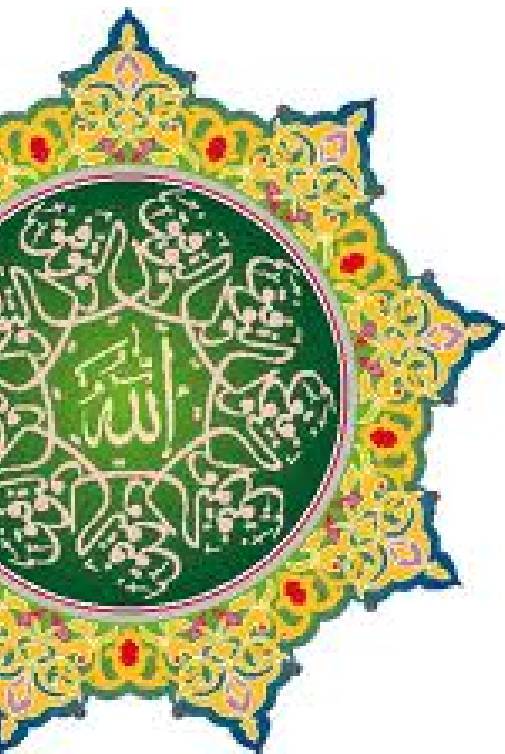


حسن بصری نزد امام باقر عليه السلام رفت و عرض کرد: آمده‌ام سؤالاتی از شما بپرسم.



امام فرمود: مگر تو فقیه اهالی بصره نیستی؟

گفت: چنین می‌گویند.

امام فرمود: امر بزرگی را به عهده گرفته‌ای. شنیده‌ام که می‌گویی خداوند مردم را به خودشان واگذار کرده است!

حسن بصری ساکت شد.

امام فرمود: اگر خداوند به کسی وعده امن و امان دهد، آیا او دیگر باید از چیزی بترسد؟

گفت: نه

امام فرمود: من آیه‌ای می‌خوانم که تو آن را به اشتباه تفسیر کرده‌ای.

پرسید: کدام آیه؟

فرمود: و جعلنا بینهم و بین المقری المتی بارکنا فیها قری ظاهرةً و قدرنا فیها ال سیر سیروا فیها لیالی و ای آما آمینین [1] و م ان آنان و م ان آبادانی ها ی که در آنها برکت نهاده بود م شهرهای متصل به هم قرار داده بود م، و در م ان آنها مسافت را، به اندازه، مقرر داشته بود م. در ا ن [راه] ها، شبان و روزان آسوده خاطر بگرد د.

شنیده‌ام که جای امن را به مکّه تفسیر کرده‌اید؟ وای بر تو! این چه امنیتی است که اموال اهالی آنجا به سرقت می‌رود و همواره عده‌ای کشته می‌شوند؟!

سپس امام باقر علیه السلام به سینه مبارک خود اشاره کرد و فرمود: آن قریه‌های مبارک ما میم.

حسن بصری گفت: فدایت شوم! آیا در قرآن آیه‌ای هست که به انسان‌ها بگوید قریه؟

امام فرمود: بله: و کاین من قریه عنت عن امر ربها ورسله فحاسبناها حسابا شديدا و عذبتنا عذابا نكرا [2] و چه بسیار قریه‌هایی که از امر پروردگار و پیامبرانش سرپیچی کردند، و ما حساب سختی از آنان کشیدیم و به عذاب بدی مجازاتشان کردیم.

بعد فرمود: آیا سرپیچی کننده در و دیوار است یا انسان‌ها؟

حسن بصری گفت: بله! منظور همان انسان‌هاست.

امام فرمود: در آیه « و اسأل المقریه المتی کنافیها» [3]، (از قریه ای که ما بودیم پرس.) از قریه و دهستان سؤال می شود یا از اشخاص؟!

سپس فرمود: قری یعنی علمای شیعه ما و مقصود از سیر، علم است. یعنی هر کس به سوی ما آمد و حلال و حرام را از ما آموخت، دیگر از شک و گمراهی در امان است؛ زیرا احکام را از آنجا که باید بیاموزد، آموخته است؛ چون اهل بیت وارثان علم و فرزندان برگزیده اند و آن فرزندان ما هستیم، نه تو و امثال تو. و مبادا بگویی خداوند بندگان را به خودشان واگذاشته زیرا خداوند عزوجل، دچار سستی و ضعف نیست تا کاری را به مردم واگذار کند. آنها را هم به چیزی مجبور نمی کند که در این صورت به آنها ظلم می شود؛ خدا با بندگانش نه با جبر رفتار می کند نه با تفویض؛ بلکه با امری بین آن دو رفتار می کند.

منبع:

بحار الانوار، ج 24، ص 232، ح 1.

بحار الانوار، ج 24، ص 235، ح 4.

---

[1]. سبا / 18

[2]. طلاق / 8

[3]. یوسف / 82